

دفاع مشروع ناقص و نظریه قصدمحور

(تحلیل تبصره دو ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی)

چکیده:

تا پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، رویکرد رویه قضایی و به ویژه دادگاه‌های بدوی در برخورد با پرونده‌های مشتمل بر قتل در مقام دفاع مشروع، در بیشتر موارد رویکرد صفر و یکی بود؛ یعنی یا دفاع مشروع با تمامی شرایط قانونی آن (از جمله شرط وجود تهاجمی نامشروع، فعلی یا قریب‌الوقوع بودن حمله، ضرورت دفاع و تناسب آن) احراز می‌گردید و مدافعی که مرتکب قتل می‌شد از قصاص، دیه و تعزیر معاف می‌گردید و یا آن که به صرف احراز نشدن یکی از شرایط قانونی دفاع مشروع، مرتکب حسب مورد به کیفر سنگین قصاص محکوم می‌شد. این رویه تا جایی ادامه پیدا کرد که دیوان عالی کشور در پرونده‌های متعددی، با وجود عدم رعایت یکی از شرایط دفاع مشروع (به ویژه شرط تناسب دفاع با حمله)، مدافع را هم‌چنان مستحق قصاص ندانست. نظر به همین رویه، در سال ۱۳۹۲ قانونگذار نیز به تبع دیوان عالی کشور و مستند به برخی فتاوی معتبر فقهی، با وضع تبصره دو ماده ۳۰۲ از رویکرد صفر و یکی مزبور عدول کرد و برای اولین بار، هر چند به صورت مجمل، «دفاع مشروع ناقص» را به مثابه یکی از دفاعیات محتمل برای اشخاص متهم به ارتکاب قتل مورد پذیرش قرار داد؛ دفاعی که باعث منتفی شدن مجازات قصاص خواهد شد. با این حال، ابعاد حقوقی این تبصره با ابهامات بسیاری مواجه است، چرا که فهم این تبصره منوط به شناخت دو واژه مبهم «نفس دفاع» و «مراتب دفاع» است که در متن آن به کار گرفته شده‌است.

این مقاله در صدد آن است که به کمک بررسی مبانی فقهی - حقوقی توجیه دفاع مشروع، به تفسیر «نفس دفاع» و زمانی که «دفاع صدق می‌کند» بپردازد. در نهایت با پذیرش نظریه قصدمحور، این دو اصطلاح بر پایه «قصد مدافع» تفسیر می‌گردد و آشکار می‌شود که مدافعی که به قصد دفاع اقدام به قتل دیگری نماید - هرچند این قصد مبتنی بر توهم حمله باشد - می‌تواند از معافیت مندرج در تبصره دو ماده ۳۰۲ استفاده کند.

کلیدواژگان: دفاع مشروع، دفاع مشروع ناقص، نفس دفاع، مراتب دفاع مشروع، نظریه قصدمحور.

مقدمه:

دفاع مشروع، از جمله نهادهای حقوقی با سابقه‌ای به درازای تاریخ بشریت است که غالب نظام‌های حقوقی، این مانع مسؤولیت کیفری و شرایط کاربست آن را در قوانین خویش پیش‌بینی نموده‌اند. در نظام حقوق کیفری ایران نیز از همان ابتدای تاریخ قانونگذاری کیفری (قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، مواد ۱۸۴ تا ۱۹۰) و سپس در تقنین‌های بعدی نیز اصل این نهاد به رسمیت شناخته شد و شرایط کاربست آن با اختلافاتی جزئی به تفصیل بیان گردید.

قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ به یک ابتکار تقنینی مهم در این حوزه دست زد و برای اولین بار در قالب تبصره دو ماده ۳۰۲، «دفاع مشروع ناقص» را وارد حقوق کیفری ایران نمود. این تبصره مقرر می‌دارد: «در مورد بندها ت چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود، قصاص منتفی است، لکن مرتکب به شرح مقرر در قانون، به دیه و مجازات تعزیری محکوم می‌شود».

پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، دیوان عالی کشور در دهه ۷۰ و ۸۰ در ضمن چندین رأی اصراری، رویه‌ای را در پیش گرفته بود که به موجب آن، در پرونده‌های دفاع مشروع اگر یکی از شرایط دفاع مفقود می‌بود، قصاص منتفی می‌گردید. این در حالی بود که تا پیش از سال ۱۳۹۲، مستندی قانونی برای عدم قصاص چنین مدافعی وجود نداشت و تنها تعدادی از فتاوی‌ای فقهی بر عدم قصاص دلالت می‌کرد.

با وجود گذشت بیش از ده سال از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، دو عبارت مذکور در این تبصره یعنی «نفس دفاع» و «مراتب دفاع» دچار ابهام هستند و هنوز مشخص نیست با چه معیاری باید نفس دفاع را احراز کرد؟ همچنین «مراتب دفاع» به چه معناست که تجاوز از آن در کنار صدق نفس دفاع، منجر به عدم قصاص می‌گردد؟ ابهام مفهومی در مرحله تقنینی، تشتت در مرحله قضایی را در پی داشته و در پرونده‌هایی مشابه، آراء قضایی متفاوتی صادر گردیده‌است.

این مقاله بر آن است که با تکیه بر مبانی دفاع مشروع در فقه و حقوق، پرده از ابهام عبارت «نفس دفاع» برداشته و به تبع آن، به بررسی ارتباط تبصره اخیرالذکر با سایر مواد مربوط به باب دفاع مشروع از منظر قانونگذاری بپردازد. در این مسیر، تمرکز بر پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها خواهد بود که: «چه زمانی نفس دفاع صدق می‌کند؟» و «عدم رعایت کدام شرط از شروط دفاع مشروع، امکان استناد به تبصره را منتفی ساخته و قصاص مدافع ادعایی را در پی خواهد داشت؟»

بند اول: از دفاع مشروع ظاهری و افراطی تا دفاع مشروع ناقص

اصطلاح «دفاع مشروع ناقص»، به لحاظ لغوی اصطلاح نسبتاً جدیدی است که در ادبیات حقوقی ایران کمتر مورد استفاده قرار گرفته است و فهم معنای این ترکیب، به تفسیر تبصره دو ماده ۳۰۲ ق.م.ا. ۱۳۹۲ کمک شایانی خواهد نمود. پیش از بررسی این مفهوم، بایستی اشاره نمود که به عقیده برخی از صاحب نظران، تعداد و محتوای اصول دفاع مشروع میان حقوقدانان در سراسر جهان شباهت بسیار چشمگیری دارد؛ (Fletcher, and Ohlin, 2008: 86) به نحوی که چهار اصلی که در ادامه خواهند آمد، میان اندیشمندان حقوق تا حد زیادی متفق علیه بوده و اصول دیگر نیز ذیل یکی از همین اصول چهارگانه قابل جای گذاری هستند؛ هم چنان که هیچ یک از این چهار اصل را نیز نمی توان ذیل اصل دیگری آورد و در نتیجه استقلال کاملی از یکدیگر دارند. (Kaufman: 2009: 17) 37- این چهار اصل عبارتند از: ۱. اصل وجود تهاجمی نامشروع یا حمله ای غیرمنصفانه، ۲. اصل ضرورت داشتن کاربست زور دفاعی، ۳. اصل نامتناسب نبودن دفاع با حمله و نهایتاً ۴. اصل فعلی یا قریب الوقوع بودن حمله.

شناخت مفاهیم سه گانه دفاع مشروع افراطی، دفاع مشروع ظاهری و دفاع مشروع ناقص در واقع ناظر به فقدان یک یا چند شرط از شرایط چهارگانه فوق است:

«دفاع مشروع ظاهری»^۱ رفتار مدافعی است که با اعتقادی صادقانه، خطر تهاجم از سوی کسی را احساس می کند که در واقعیت، این چنین نبوده و در پی این توهم وجود خطر، اقدام به دفاع از خویش کرده است؛ مثلاً طلافروش را در نظر بگیرید که سارقی مسلح چندین بار موفق به سرقت از مغازه وی شده است. در ادامه، طلافروش به کمک پلیس موفق به دستگیری وی در حین سرقت شده و سارق پس از دستگیر شدن، وی را تهدید به قتل پس از آزادی خویش می کند. پس از گذشت زمانی، مردی که به لحاظ ظاهری کاملاً شبیه به همان سارق مسلح است، وارد مغازه وی می شود و طلافروش نیز از ترس جان خویش، پیش از هر گونه اقدامی از سوی آن مرد، وی را با سلاح به قتل می رساند و نهایتاً مشخص می شود که آن مرد، تنها شبیه به سارق مذکور بوده است. (محمودی جانکی، صادقی؛ ۱۳۹۴: ۱۵۸)

مسئله مورد نزاع که همراه با این نوع از دفاع پررنگ می شود آن است که اساساً دفاع مشروع از چه زمانی شروع می شود؟ آیا پیدایش دفاع مربوط به زمانی است که مرتکب باور دارد که مورد حمله قرار گرفته است یا زمانی که حمله ای واقعاً به صورت عینی در عالم خارج رخ داده باشد؟ پاسخ آنست که در مصادیق دفاع مشروع ظاهری، جایگاه وقوع خطر تنها در ذهن مرتکب است و درست نقطه مقابل آن، در دفاع مشروع واقعی، جایگاه وقوع خطر در عالم خارج می باشد. (همان: ۱۵۶)

1- Putative Self – Defence

«دفاع مشروع افراطی»^۱ رفتار مدافعی است که در هنگام دفاع، از حدود آن فراتر رفته و شرایط لازم برای دفاع مشروع را رعایت نمی‌کند و به تعبیری، در امر دفاع زیاده‌روی می‌کند. (فاندی؛ ۱۴۰۳: ۵۷۵) وجه فارق این مفهوم، از «دفاع مشروع ظاهری» آن است که در دفاع مشروع افراطی، حمله و تهاجم غیرقانونی در عالم خارج واقعاً اتفاق افتاده است و مدافع، متوهم نیست. با این حال، مدافع در دفاع از خویش، از حدود مقرر قانونی فراتر می‌رود و گویی در مقام دفاع، دست به تجاوز و تهاجم می‌زند؛ مانند مدافعی که برای دفاع از مالی ناچیز، اقدام به قتل مهاجم می‌کند. پرسش مهم در خصوص مصادیق این مفهوم، آن است که آیا صرفاً تخطی از «شرط تناسب» است که یک دفاع مشروع را تبدیل به دفاع مشروع افراطی می‌کند یا آن که تخطی از شرط ضرورت نیز ممکن است همین اثر را داشته باشد؟ پاسخ برخی از نویسندگان به این پرسش آن است که با تخطی از شرط ضرورت، اساساً مفهوم دفاع دیگر محرز نیست و با هیچ دفاع مشروعی اعم از افراطی یا غیرافراطی مواجه نخواهیم بود. (همان: ۵۸۴) بنابر این نظر، دفاع مشروع افراطی، رفتار مدافعی است که تمامی اصول دفاع (وقوع حمله غیرمنصفانه در عالم خارج، فعلی یا قریب‌الوقوع بودن آن، نهایتاً ضرورت کاربست زور برای دفع حمله) را رعایت می‌کند؛ مگر اصل نامتناسب نبودن دفاع با حمله را و از همین رو، مدافع مستحق کیفر سنگین قصاص نیست.

اصطلاح سوم، «دفاع مشروع ناقص»^۲ است که نزدیک‌ترین مفهوم به تبصره دو ماده ۳۰۲ ق.م.ا نیز می‌باشد و بدان معناست که «نفس دفاع» در طرف مدافع احراز شده است، یعنی اجمالاً اثبات شده که مدافع در مقام دفاع بوده، با این حال از برخی از اصول دفاع مشروع، یا به تعبیر این تبصره، از «مراتب دفاع» تخطی شده است. فهم آن که چه چیزی رفتار یک شخص را تبدیل به «دفاع» می‌کند و تمییز آن از «دفاع کامل»، به روشن کردن مفهوم «نفس دفاع» و به تبع آن، «دفاع مشروع ناقص» کمک خواهد نمود.

به عبارت دیگر، اگر یک دفاع مشروع کامل، دفاعی دانسته شود که مشتمل بر پنج شرط است، آن‌گاه در مقام بررسی مفهوم دفاع مشروع ناقص باید تعیین کنیم که با فقدان کدام شرط یا شرایط باعث می‌شود رفتار مزبور اساساً «دفاع» محسوب نشود و فقدان کدام شرط، یا شرایط باعث می‌شود که دفاع مشروع، ناقص دانسته شود. سپس، باید این‌گونه استنتاج کرد که یک مدافع ادعایی، چنان‌چه حداقل شروط لازم را رعایت کرده باشد، مرتکب دفاع مشروع ناقص شده و باید به دیه و تعزیر محکوم شود. در این مقاله استدلال خواهد شد که حداقل شرطی که باعث می‌شود یک رفتار «رفتاری دفاعی» قلمداد شود، احراز «قصد دفاع» در برابر یک حمله (اعم از ظاهری یا واقعی) است و چنان‌چه این امر اثبات نشود، گویی اساساً هیچ رفتار دفاعی‌ای به لحاظ مفهومی محقق نشده است؛ به عبارت دیگر، همه چیز دائرمدار احراز قصد مرتکب است، هرچند این قصد ناشی از توهم و اشتباهی محض باشد.

بنا بر مطالب فوق، این که دفاع مشروع ظاهری یا دفاع مشروع افراطی را تنها دو مصداق از مفهوم کلی تری به نام «دفاع مشروع ناقص» تلقی کنیم یا خیر، کاملاً بستگی به آن دارد که «نفس دفاع» به تحقق چه چیزی دانسته

1- Excessive Self – Defence

2- Imperfect Self – Defense

شود؛ مثلاً اگر «نفس دفاع» منوط به تحقق واقعی حمله‌ای فعلی یا قریب‌الوقوع در عالم خارج، تحقق قصد دفاع و رعایت ضرورت کاربست زور دانسته شود و با این حال، فقط رعایت شرط تناسب جزئی از «نفس دفاع» دانسته نشود، آن‌گاه مفاهیم دفاع مشروع ناقص و دفاع مشروع افراطی به هم نزدیک خواهند شد. با این حال، تفسیری که در این مقاله از دفاع مشروع ناقص به دست داده می‌شود، نسبت این مفهوم با دو مفهوم دیگر را «عام و خاص مطلق» خواهد نمود؛ چرا که دفاع مشروع ظاهری و دفاع مشروع افراطی نیز ماهیتاً «دفاع» هستند و هر گونه دفاعی به لحاظ مفهومی، نیازمند احراز قصد دفاع است؛ یعنی آن که شخص، نه به قصد تجاوز، بلکه به قصد دفاع اقدام به رفتارهایی نموده باشد. با این وجود، دفاع مشروع ظاهری و دفاع مشروع افراطی، تنها مصادیق دفاع مشروع ناقص نیز نیستند، زیرا ممکن است مدافعی در مواجهه با یک حمله واقعی، مثلاً از شرط «ضرورت» کاربست زور دفاعی نیز تخطی کند و در عین حال، همچنان واجد قصد دفاع در نظر گرفته شود. نکته قابل توجه آن است که با عنایت به حذف «شرط تناسب» در دفاع مشروع در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، تأکید بر محوریت این شرط در تحقق یا عدم تحقق دفاع مشروع، سالبه به انتفای موضوع است. در ادامه مقاله به این موضوع چالش‌برانگیز نیز پرداخته خواهد شد.

بند دوم: رویکرد فقهی به دفاع مشروع ناقص

نصوص شرعی مرتبط با دفاع مشروع غالباً مطلق هستند، به آن معنا که دست مدافع در دفاع از خویش به شدت باز است. فقها تلاش کرده‌اند تا این اطلاعات را مقید نمایند؛ (فاضل لنگرانی؛ ۱۴۳۰: ۱۶۳) نتیجه آن که احصاء و تبیین شرایط دفاع مشروع و اهمیت رعایت این شرایط از سوی مدافع، غالباً با استفاده از قیود عقلایی انجام شده و اطلاعات موجود در برخی از نصوص شرعی، با تصرف در مقدمات حکمت و یا ادعای انصراف، محدود و مقید شده‌اند.

چنان که گذشت، پیش از پذیرش تبصره دو ماده ۳۰۲ ق.م.ا در سال ۱۳۹۲، دیوان عالی کشور در برخی از آراء اصراری خویش با استناد به منابع فقهی، قصاص را در برخی از پرونده‌های قتل عمدی که در مقام دفاع ارتکاب یافته بودند، منتفی دانست. مستند آراء اصراری دیوان عالی کشور را نیز می‌توان در فتاوی فقهی زیر جست‌وجو نمود. بررسی آراء فقهی نشان از آن دارد که مصادیقی از دفاع مشروع ناقص به‌درستی در ادبیات فقهی مورد توجه قرار گرفته و چنین مدافعی از قصاص معاف شده‌است. این که چرا قانونگذار با وجود این ادبیات فقهی گسترده، پس از گذشت صد سال از تقنین کیفری به این موضوع توجه نمود، خود جای انتقاد و تعجب دارد.

در کتاب کشف‌اللثام آمده‌است: «جایز نیست که مدافع شروع به دفاع کند، مگر با علم خویش به قصد مهاجم، [...] و یا ظن وی به قصد مهاجم و امکان آن که اگر از خود دفاع نکند، مهاجم عرفاً بر وی مسلط می‌شود [...]» و پس از تحقق قصد معتبر، جایز است مهاجم را دفع کند مادامی که وی در حال حمله باشد؛ اما اگر مهاجم در حال حمله نباشد، خودداری از دفاع واجب است، زیرا زدن مهاجم فقط برای دفع جایز است و پس از اتمام حمله مهاجم، دفعی متصور نیست. (فاضل هندی؛ ۱۴۱۶: ۶۵۱)

امام خمینی نیز در کتاب تحریر الوسیله به فرع بسیار مهمی اشاره کرده‌اند که با توجه به اهتمام قانونگذاران و قضات به فتاوی‌ای ایشان، این فرع فقهی بسیار حائز اهمیت است: «اگر مدافع، از آن حدی که به نظر خودش و واقعاً در دفع متجاوز کافی است، تجاوز کند، بنا بر احتیاط، ضامن است.» (خمینی؛ ۱۳۹۰: ۴۸۸) با توجه به سیاق جمله، ضمان در این عبارت، قطعاً ظهور در دیه دارد. توجه به قید «به نظر خودش» در کنار قید «واقعاً» قابل توجه است؛ زیرا به نظر می‌رسد که این دو عبارت را بتوان در راستای موضوع این مقاله فهم کرد، به این بیان که در این عبارت، محور سقوط قصاص، برداشت و ذهنیت مدافع هم می‌باشد. در جای دیگری در مسأله «دفاع مشروع ظاهری» ایشان تصریح کرده‌اند: «اگر مدافع، قصد مهاجم مبنی بر تعرض به جان، عرض یا مال خود را احراز نمود و در نتیجه به وی آسیب رساند یا مرتکب جنایتی بر او شد و سپس آشکار شد که اشتباه کرده‌است، ضامن است، اگر چه گناهکار هم نباشد.» (خمینی؛ ۱۳۹۰: ۴۸۹)

برخی دیگر از فقها معتقدند مادامی که معلوم نشده مهاجم قصد تهاجم دارد، مدافع نیز حق دفاع ندارد؛ ولی اگر مدافع، به «قصد دفاع» به کار بست زور بپردازد و بعداً معلوم شود که در اشتباه بوده، قصاص منتفی است و صرفاً ضمان دیه بر عهده او است. در این باره صاحب جواهر تصریح می‌کند که: «هیچ اختلاف و اشکالی وجود ندارد در این که بر مدافع جایز نیست که علیه مهاجم پیش‌دستی کند، مادام که قصد مهاجم در گرفتن جان، عرض و مال مدافع بر وی (مدافع) محرز و معلوم نگشته باشد و لو این که طریق احراز قصد مهاجم به صورت ظنی باشد که عرفاً قصد با آن محرز می‌شود. در این صورت، اگر اشتباه وی در تشخیص قصد مهاجم آشکار گردد، ضامن است.» (نجفی، ۱۴۳۴: ۱۰۲۶) اگر چه این عبارات ظهور در حکم «دفاع مشروع ظاهری» دارد و اخص از مدعای این مقاله در باب «دفاع مشروع ناقص» است، اما با وحدت ملاک از استدلال منطقی‌ای که مستند این فتواست می‌توان همین حکم را در باب «دفاع مشروع ناقص» نیز جاری نمود و بر آن شد که تا زمانی که «قصد دفاع» در شخص مدافع برای قاضی محرز باشد، تخطی از هر یک از شرایط و اصول دیگر دفاع مشروع - اعم از تناسب و ضرورت - نیز خدشه‌ای به حکم سقوط قصاص از مدافع وارد نخواهد ساخت. دلیل این امر آن است که صورت مسأله در دفاع مشروع ظاهری، تخطی از اصل بسیار مهم «وجود یک حمله غیرمنصفانه واقعی» در عالم خارج است، اصلی که عرفاً و عقلاً بسیار مهم‌تر از دو اصل دیگر تناسب و ضرورت می‌باشد. بنابراین اگر حکم آن مسأله سقوط قصاص باشد، چه بسا با قیاس اولویت، تخطی از دو اصل فرعی دیگر را نیز بتوان دفاع مشروع ناقص دانست و تبعاً حکم به سقوط قصاص داد. برعکس، چنان‌چه قاضی یک پرونده، با دلایل عینی و بسنده‌ای «قصد دفاع» را احراز نکرد و بلکه «قصد تجاوز» را در شخص مدافع احراز نمود، حتی اگر تمامی اصول و شرایط دیگر دفاع مشروع نیز محرز باشند، باز هم باید حکم قتل عمد یعنی قصاص مرتکب را بر این رفتار بار کند. مثال این امر در جایی است که الف به قصد قتل ب به سمت وی شلیک کند و بعداً مشخص شود که ب نیز در همان لحظه قصد قتل الف را داشته ولی الف از این موضوع خبر نداشته و به قصد تجاوز تیراندازی کرده‌است، قتل داشته‌است و در موقعیت حمله بوده اما الف از این موضوع خبر نداشته و به قصد تجاوز تیراندازی کرده‌است، به‌هیچ عنوان قتل در مقام دفاع مشروع را متبادر نمی‌کند.

احراز «قصد دفاع» در طرف مدافع، شرط لازم و رکن رکنین یک «دفاع مشروع» (اعم از واقعی - ظاهری یا کامل - ناقص) است و با فقدان آن، گویی اساساً یک تهاجم تحقق یافته است و نه یک دفاع. در همین راستا، صاحب جواهر بیان می‌دارد: «...» و در هر حال، با تحقق قصد حمله [از سوی مهاجم، و احراز آن از سوی مدافع]، جایز است مدافع او را دفع کند [اما فقط] تا زمانی که مهاجم در حال حمله باشد [...] و آن‌گاه که مهاجم دیگر حمله نمی‌کند، خودداری از ادامه دفاع بر مدافع واجب می‌گردد [...] زیرا ضربه زدن فقط به منظور دفع حمله جایز است و در فرضی که مهاجم به حمله ادامه نمی‌دهد، هیچ‌گونه دفاعی متصور نیست.» (همان: ۱۰۲۷)

برخی از فقهای معاصر نیز تصریح کرده‌اند: «ظاهر آن است که اگر مدافع در هنگام دفاع، از حدود آن فراتر رفت و رعایت شرایط لازم را نکرد، چون بر عمل او عنوان ظلم و عدوان صدق نمی‌کند، لذا قصاص ندارد؛ ولی اگر «قصد خصومت» مدافع ثابت شود و او متوجه باشد که می‌تواند به غیر از قتل، تجاوز را دفع کند و با وجود این امکان اقدام به قتل نماید، قصاص می‌شود.» (صانعی، ۱۳۸۴: ۱۲۱) این عبارات، کاملاً با برداشتی «قصدمحور» از «نفس دفاع» همساز است.

عبارت فقهی زیر از آیت‌الله خوئی نیز قابل توجه است: «اگر مدافع، ضربه‌ای به دزد زد و آن دزد نیز از حمله دست کشید، جایز نیست مدافع ضربه دیگری به وی بزند و اگر چنین کند، ضامن است؛ زیرا زیان دیدن مدافع از آن دزد به واسطه متوقف شدن مهاجم، مرتفع شده است و اگر بعد از این توقف، دوباره به وی ضربه‌ای بزند، تعدی از جانب مدافع بر مهاجم محسوب می‌شود و لاجرم وی ضامن آن است.» (خوئی؛ ۱۴۲۸: ۴۲۲) سیاق این عبارات حاکی از آن است که مدافع افراط‌کننده در این فرض، بابت ایراد زیان جسمانی به مهاجم، ممکن است حتی قصاص نیز بشود. دلیل این امر نیز تعدی وی و به تعبیر ما فقدان «قصد دفاع» و به جای آن، ثبوت «قصد زیان رساندن به مهاجم» [و انتقام گرفتن از او] است.

در واقع، عبارات مزبور حکم یکی از صور گوناگون شبیه به «دفاع مشروع افراطی» است که در آن، اگرچه نظیر فرض «دفاع مشروع ظاهری» هیچ حمله‌ای در عالم خارج از سوی مهاجم در حال رخ دادن نیست، ولی مدافع «قصد دفاع» ندارد و بلکه تعدی می‌کند. همین تفاوت در متعلق قصد باعث می‌شود تا برخی از فقها در چنین فرضی، حکم به قصاص دهند ولی در دفاع مشروع ظاهری، حکم به دیه، گویی توجیه زیربنایی (اگر چه مضمحل و پنهان) این تمایز در مقام افتا نیز «تحلیل قصد مدافع» بوده است.

بند سوم: رویکرد قضایی به دفاع مشروع ناقص

«دفاع مشروع ناقص» پیش از آن که وارد قانون شود، ابتدا در برخی از آراء اصراری دیوان عالی کشور منعکس گردید و پس از آن بود که قانونگذار بر آن شد تا از رویه قضایی مورد پذیرش در دیوان عالی کشور، تبعیت کرده و از اتخاذ رویکرد صفر و یکی به دفاع مشروع در قانون بپرهیزد. ذیلاً به چند رأی اصراری اشاره می‌شود:

۱. رأی اصراری شماره ۴ مورخ ۱۳۷۶/۰۲/۱۶ دیوان عالی کشور:

« [...] با توجه به این که متهم ضمن اقرار به قتل اظهار داشته که مقتول، نیمه شب در گاراژ در بسته قصد تجاوز به وی را داشته و با در دست داشتن چاقو و تهدید با آن از خارج شدن او از گاراژ جلوگیری نموده و در جریان دفاع مرتکب قتل شده و محتویات پرونده نیز مؤید صحّت مدافعات مشارالیه است و طبق ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، کسی که «در مقام دفاع» مرتکب جرم می‌شود قابل تعقیب و مجازات نیست و بر این اساس محکومیت به قصاص نفس بر خلاف قانون می‌باشد، لهذا اعتراض وارد است [...] متذکر می‌شود که چون با وجود مسلم بودن دفاع حسب اوضاع و احوال قضیه، تجاوز از حدود دفاع محرز است، متهم ضامن پرداخت دیه است. [...] » (مذاکرات و آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور سال ۱۳۷۶؛ ۱۳۹۲: ۱۴۶)

۲. رأی اصراری شماره ۱۸ مورخ ۱۳۷۵/۰۸/۲۲ دیوان عالی کشور:

« [...] استدلال دادگاه‌ها از جهت محکومیت متهم به قصاص نفس موجه نیست؛ زیرا هرچند که شرایط کامل دفاع مشروع در پرونده امر محقق نمی‌باشد، ولیکن با توجه به این که عده‌ای از طائفه مرحوم قریب (مقتول) با توافق و تبنانی قبلی به قصد انتقام‌جویی نیمه شب مسلح به سلاح ناریه به مزرعه مجاور محل سکونت متهم هجوم آورده و اقدام به تخریب مزرعه ذرت آن‌ها نموده‌اند، متهم را در حدی که مستوجب مجازات قصاص نفس باشد، مسؤول نمی‌دانند. [...] » (مذاکرات و آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور سال ۱۳۷۵؛ ۱۳۹۲: ۳۹۴)

۳. رأی اصراری شماره ۲۰ مورخ ۱۳۷۵/۰۸/۲۹ دیوان عالی کشور:

« [...] با توجه به محتویات پرونده نظر به این که مُقدمین به حمله (مرحوم فریدون مقتول و اخوانش) سه نفر و مسلح به چوب و میله آهن بوده‌اند و متهم در مقابل آن‌ها تنها بوده و در حین نزاع فرصت و مراجعه به مأموران انتظامی را نداشته‌است، لذا مسؤولیت وی در حد کیفر قصاص به نفس به نظر موجه نیست و از طرفی دیگر چون متهم، با احتمال وقوع درگیری، آلت قتاله (چاقو) را از مدتی قبل تهیه و در اختیار داشته‌است، با این وصف به لحاظ عدم تناسب دفاع مشروع، نامبرده را نمی‌توان کاملاً مبری از مسؤولیت کیفری دانست. [...] » (همان: ۴۲۵ و ۴۲۶)

۴. رأی اصراری شماره ۱۵ مورخ ۱۳۸۴/۰۹/۱۵ دیوان عالی کشور:

« [...] محاکم در آراء خود اظهارات آقای ابراهیم متهم پرونده را در مورد این که مقتول از وی تقاضای فعل حرام (لواط) کرده و وی از دست مقتول خارج و فرار نموده و مقتول وی را دنبال کرده و متهم از خود دفاع نموده‌است را رد نکرده‌اند، اما دفاع را متناسب تشخیص نداده و حکم قصاص صادر نموده‌اند و حال آن که با توجه به اظهارات متهم و با عنایت به مفاد اظهارات آقای سعید ۵۵ ساله و تنها کسی که ناظر جریان بوده متهم با به چرخش در آوردن چوبه دستی چوپانی در مقام دفاع می‌خواسته مانع نزدیک شدن مقتول به خود شده و در اثر این عمل ضرباتی به سر مقتول اصابت و یکی از آن‌ها موجب قتل وی شده‌است و لذا به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی اصراری شعب کیفری، «عمل ارتكابی متهم از مصادیق قتل عمد نبوده، چه قصد ایراد

صدمه به نقطه یا نقاط حساس با توجه به شهادت تنها شاهد احراز نمی‌شود.» لذا صدور حکم قصاص و جاهت شرعی و قانونی نداشته‌است [...]». (مذاکرات و آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور سال ۱۳۸۴؛ ۱۳۸۹؛ ۵۲۵ و ۵۲۶)

با بررسی آراء اصراری پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، بسیار دشوار است بتوان معیار واحدی را از منظر قضات دیوان عالی کشور برای انتفای قصاص از مدافع مشروع ناقص متصور شد. با این حال، بعید نیست بتوان وجه اشتراک تمامی این آراء را اقدام مدافع در موقعیت دفاعی و قصد دفاع داشتن وی دانست. با توجه به تعاریف قتل عمد و شبه‌عمد در حقوق کیفری ایران (مواد ۲۹۰ و ۲۹۱ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲) می‌توان بر آن شد که به قتل رسیدن مهاجم، گاهی مقصود مدافع و گاهی نیز ملازمه اجتناب‌ناپذیر و البته کاملاً پیش‌بینی‌شده رفتار دفاعی مدافع است و در واقع وی نمی‌تواند از خویش دفع حمله کند، مگر آن که به مهاجم آسیبی [ضروری و متناسب] برساند؛ بنابراین، قتل مهاجم توسط مدافع حسب مورد از نوع قتل مندرج در بند الف یا بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ خواهد بود. اما گاهی نیز نظیر آنچه در رأی اصراری چهارم بیان شد، مدافع اساساً مرتکب قتل شبه‌عمد می‌گردد و تبعاً تعزیر وی نیز تعزیر مذکور در ماده ۶۱۶ ق.م.ا. (کتاب تعزیرات) خواهد بود. بنابراین بایستی در هر پرونده جداگانه به تحلیل نوع قتل مدافع و میزان تعزیر قابل اعمال بر وی پرداخت.

برخی از حقوق‌دانان، در تحلیل چرایی موجه بودن آرای اصراری دیوان عالی کشور تا پیش از تصویب تبصره دو ماده ۳۰۲ ق.م.ا. ۱۳۹۲ که قصاص را از مدافع مشروعی که شرط تناسب را رعایت نکرده بود ساقط می‌کردند، می‌نویسند: «[...] اگر قرار باشد که حقوق کیفری برای هر رفتار غیر متعارفی، ضمانت اجرا تعیین کند، قلمرو این حقوق با حقوق مدنی یکسان خواهد شد در حالی که دوگانگی و استقلال هر یک از این رشته‌ها امری بدیهی و لازم است [...]». (خدابخشی؛ ۱۳۸۶؛ ۱۰۶ و ۱۰۷) عبارات مزبور نیز تا حدی حاکی از تحلیل ضمنی عنصر معنوی قتل در مقام دفاع مشروع است.

نکته قابل توجه آخر در تحلیل رویکرد قضایی به دفاع مشروع ناقص آن است که صدور آراء اصراری دیوان عالی کشور، به پیش از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ محدود نمی‌شود و آراء اصراری متعدد دیگری نیز بعد از این سال صادر شده‌اند که غالباً متضمن شکستن حکم قصاص از مدافعين مشروع ناقص هستند. از جمله دو رأی زیر که بار دیگر ادعای رکنیت «قصد دفاع» را تقویت می‌کنند.

۵. رأی اصراری شماره ۱ مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۱۷ دیوان عالی کشور:

« [...] با عنایت به مجموع محتویات پرونده، از جمله: ۱. نبودن پیشینه خصومت و دشمنی بین متهم به قتل و مقتول که این امر امکان دسیسه و توطئه قبلی جهت کشتن مقتول به گاوداری و سپس قتل وی را از بین می‌برد خصوصاً این که در صورت توطئه قبلی قتل، متهم می‌توانست او را به محل دیگری بکشد و در آنجا نقشه خود را عملی نماید. ۲. تلاش متهم به قتل جهت نجات جان مقتول از طریق اطلاع به اورژانس و انتقال مصدوم از بالای دیوار جهت سوار کردن او به آمبولانس و رساندن وی به درمانگاه [...] و اظهارات آقای علیرضا ... دایر بر این که علی ... می‌خواست احمد را زورگیری کند یعنی می‌خواست احمد را بگیرد و با او لواط کند [...] که

حاکمی از تأیید انگیزه مورد ادعای متهم بوده و احتمالاً صحت اظهارات او درباره علت ارتکاب جرم تقویت می‌نماید که با توجه به مراتب مذکور در فوق، به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور، دادنامه فرجام‌خواسته شعبه اول دادگاه کیفری یک استان فارس، به علت عدم انطباق با موازین قانونی از حیث «صدق نفس دفاع» بر عمل ارتكابی متهم و نامتناسب بودن آن موضوع تبصره دو ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نقض می‌شود [...]». (مذاکرات و آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور سال ۱۳۹۸؛ ۱۴۰۰؛ ۱۳۱ و ۱۳۲)

۶. رأی اصراری شماره ۵۴ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ دیوان عالی کشور:

«فرجام‌خواهی آقای عبدالرحمن [...] که به موجب آن فرجام‌خواه به اتهام قتل عمدی مرحوم مهرزاد ... به قصاص نفس محکوم شده است، وارد می‌باشد؛ زیرا: ۱. ... ۲. هجوم آقای غلامرضا ... و همراهان وی به سمت محل سکونت متهم و اعضای خانواده‌اش که در مجاورت محل نگهداری گله بوده و سنگ‌پرانی برخی از ایشان حسب محتویات پرونده، محرز و مسلم است و حتی متهم و برخی اعضای خانواده‌اش مدعی‌اند مهاجمان به همراه خود سلاح نیز داشته‌اند. ۳. از سوی دختر متهم برای امداد با پاسگاه محل نیز تماس حاصل شده است. ۴. متهم نخست اقدام به شلیک تیر هوایی کرده است که این امر نشان می‌دهد هدف [قصد] وی از تیراندازی، ترساندن و دور کردن یا لاقط متوقف کردن مهاجمان بوده است. ۵. عدم وجود خصومت قبلی بین متهم و مهاجمان به‌ویژه مرحوم مهرزاد ... و اقدام به رساندن مضروب به مرکز درمانی بلافاصله پس از اصابت گلوله، نشان می‌دهد وی قصد آسیب رساندن به مهاجمان و از جمله مقتول را نداشته است. بنا به مراتب فوق و سایر قرائن موجود در پرونده، تهاجم و سنگ‌پرانی به سمت متهم که در محدوده محل سکونت خود با اعضای خانواده‌اش حضور داشته و وجود خطر، عرفاً محقق بوده و در نتیجه، شرایط دفاع مذکور در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی محرز است، اما با توجه به تجاوز از مراتب دفاع، موضوع مشمول تبصره دو ماده ۳۰۲ همین قانون است. [...]» (مذاکرات و آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور سال ۱۳۹۹؛ ۱۴۰۰؛ ۱۴۵۵ و ۱۴۵۶)

بند چهارم: رویکرد حقوقی به دفاع مشروع ناقص

در پرتوی نظریه قصدمحور می‌توان مواد مختلف قانون مجازات اسلامی در ارتباط با دفاع مشروع را مورد بازخوانی قرار داد و به نظر می‌رسد که این نظریه، همسازی قابل توجهی با مواد قانونی در سال ۱۳۹۲ دارد.

تا پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، «شرط تناسب میان حمله و دفاع» صریحاً در مواد مختلف قانونی (مثلاً ماده ۶۲۷ بخش تعزیرات) مورد پذیرش قرار گرفته بود؛ اما در سال ۱۳۹۲ قانونگذار با حذف «شرط تناسب» از مواد قانونی و نسخ صریح ماده ۶۲۷ تعزیرات در ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اقدامی عجیب و قابل انتقاد انجام داد و به یکی از ارکان اساسی دفاع مشروع آسیب رساند. بنابراین امروزه دیگر نمی‌توان یکی از مصادیق تحقق دفاع مشروع ناقص را «عدم رعایت شرط تناسب میان

حمله و دفاع» دانست، چرا که قانونگذار اساساً رعایت تناسب را در دفاع مشروع شرط ندانسته است.^۱ نتیجه این رویکرد آن است که مدافعی که در دفاع از خویش در برابر تهاجم، بدون رعایت شرط تناسب اقدام به دفاع کرده است، کما کان مدافع مشروع محسوب می‌شود و مشمول علل موجهه قرار می‌گیرد. با توجه به این نکته، یکی از مصادیق دفاع مشروع ناقص (یعنی مصداق عدم رعایت شرط تناسب) در نظام حقوقی فعلی ایران امکان ظهور و تحقق ندارد.

اما به جای این حذف قابل انتقاد که نتیجه‌اش بازکردن دست مدافع در دفاع است، شرط «رعایت مراحل دفاع» در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی مورد پذیرش قرار گرفته است. این شرط - که ابتدائاً در پیش‌نویس قانون وجود نداشت، اما شورای نگهبان به تبع آراء فقهی آن مصوبه را مورد اشکال قرار داد و باعث ورود این شرط به قانون شد - تا حد بسیار زیادی خلأ ناشی از حذف «شرط تناسب» را مرتفع می‌سازد. این شرط ترجمه عبارت فقهی «الأسهل فالأسهل» است که بسیاری از فقها آن را در دفاع مشروع شرط می‌دانند؛ (از جمله: طوسی؛ ۱۳۸۷: ۷۵ / فاضل هندی؛ پیشین: ۶۵۰ / نجفی، پیشین: ۱۰۱۹) یعنی مدافع در دفاع بایستی از اقدام آسان‌تر به اقدام سخت‌تر روی بیاورد و حق ندارد در ابتدای دفاع، با سخت‌ترین پاسخ، مهاجم را دفع کند. مدافع بایستی به صورت پلکانی دفاع آسان‌تر را به کار بندد و در صورت عدم کفایت و بازنایستادن مهاجم از تهاجم و عدم توقف حمله، می‌تواند واکنش خویش را شدیدتر کند. این شرط شباهت زیادی با شرط تناسب دارد، اما رابطه این‌همانی میان این دو برقرار نیست، چرا که در شرط تناسب، میان «ارزش محافظت‌شده» و «ارزش نابودشده» بایستی تناسب برقرار باشد و مثلاً فرد نمی‌تواند بخاطر دفاع از یک مال کم‌ارزش، اقدام به قتل سارقی کند که نسبت به مال مدافع اقدام به تهاجم کرده است. اما در رویکرد مورد پذیرش قانونگذار در سال ۱۳۹۲، به دلیل حذف شرط تناسب، چنین حقی وجود دارد؛ مشروط بر آن که مقام قضایی احراز کند که مدافع مراحل دفاع را نسبت به این مهاجم رعایت کرده است و کشتن چنین مهاجمی تنها راه باقی‌مانده برای مدافع در دفاع از مال کم‌ارزش او بوده است.

با پذیرش نظریه قصدمحور، مشکل بار اثبات «قصد دفاعی» چالش‌برانگیز خواهد شد؛ چرا که برای معافیت مدافع از قصاص باید احراز شود که وی «قصد دفاع» داشته است و نه قصد پیش‌دستی کردن، انتقام گرفتن، تجاوز و ایراد آسیب غیرقانونی به غیر.^۲ در این باره باید میان دو مصداق مهم از دفاع مشروع ناقص، یعنی دفاع مشروع افراطی و دفاع مشروع ظاهری، قائل به تفصیل شد:

حالت اول زمانی است دفاع مشروع افراطی تحقق پیدا کرده است، یعنی به اثبات رسیده است که تهاجمی واقعی صورت پذیرفته و مدافع در موقعیت دفاعی اقدام به قتل مهاجم کرده است. قانونگذار با تصویب تبصره دو ماده

^۱ - درست برخلاف ذیل رأی اصراری پنجمی که پیشتر ذکر گردید و در منطوق آن آمده بود: «دادنامه فرجام‌خواسته [...] به علت عدم انطباق با موازین قانونی از حیث «صدق نفس دفاع» بر عمل ارتكابی متهم و «نامتناسب بودن آن» موضوع تبصره دو ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نقض می‌شود. [...]».

^۲ - در واقع، می‌توان گفت: «غرض از دفاع، صرفاً متوقف ساختن تجاوز به طریق مقتضی است [و نه مثلاً انتقام گرفتن از وی و یا بازداشتن او از حملات بیشتر در آینده]» (الهام، برهانی؛ ۱۴۰۲: ۱۷۰).

۱۵۶ قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ مشکل اثباتی مدافع را در این حالت حل کرده است. این تبصره مقرر می‌دارد: «هرگاه اصل دفاع محرز باشد ولی رعایت شرایط آن محرز نباشد، اثبات عدم رعایت شرایط دفاع برعهده مهاجم است». به استناد این تبصره، تنها کافی است که اصل دفاع احراز شود و منظور آن است که اثبات شود که حمله و تهاجمی غیرقانونی واقعاً محقق شده و مدافع در مقام دفاع، اقدام به قتل مهاجم نموده است. در این وضعیت، با توجه به بار اثباتی که بر عهده مهاجم مقتول وجود دارد، اولیاءدم وی باید اثبات کنند که مدافع از مراتب دفاع تجاوز کرده است که در صورت احراز این امر، تازه نوبت به دیه می‌رسد؛ چرا که تبصره دو ماده ۳۰۲ حاکم خواهد بود. براساس نظریه قصدمحور، اولیاءدم مقتول تنها در یک حالت می‌توانند تقاضای قصاص کنند و آن زمانی است که اثبات نمایند که مدافع، «قصد دفاع» نیز نداشته است که با توجه به اثبات پیشینی «اصل دفاع» و به قتل رسیدن مهاجم در موقعیت دفاع، چنین اثباتی تقریباً محال است؛ دلیل این امر آن است که پس از احراز وقوع حمله در عالم خارج، «قصد دفاع» در طرف مدافع نیز مفروض گرفته می‌شود و مدعی خلاف این امر بایستی دلیل بیاورد؛ نظیر آن که اثبات کند مدافع، پس از اتمام حمله مهاجم نیز به کار بست زور ادامه داده است.

حالت دوم زمانی است که دفاع مشروع ظاهری تحقق پیدا کرده است، یعنی بدون آن که در عالم خارج حمله‌ای بالفعل محقق شده باشد، مدافع توهم کرده است که یک حمله و تهاجم در شرف تحقق است. در این وضعیت، امکان استناد به تبصره دو ماده ۱۵۶ و عوض کردن بار اثبات نیست؛ چرا که اساساً حمله و تهاجمی وجود نداشته تا به تبع آن، «اصل دفاع» نیز احراز گردد. با این حال، براساس نظریه قصدمحور، باب استناد به دفاع مشروع هم‌چنان باز است، چرا که مدافع می‌تواند با اثبات «قصد دفاع» و فقدان هرگونه عداوت پیشینی بین خود و مقتول و پیش‌زمینه‌هایی که منجر به این تصمیم اشتباه شده است، در پی اثبات این امر باشد که به دلیل وجود قصد دفاع، بر رفتار وی «نفس دفاع» صدق می‌کند و با اثبات قصد دفاع، امکان استناد به تبصره دو ماده ۳۰۲ را برای خود هموار نماید. در این جا هرچند درک یک انسان متعارف می‌تواند در مسیر اثبات قصد دفاع کارساز باشد، اما بر خلاف آنچه که برخی از نویسندگان به عنوان معیار تحقق دفاع مشروع ظاهری در نظر گرفته‌اند (محمودی جانکی، صادقی؛ پیشین: ۱۷۲ / آقای نی، دبستانی کرمانی؛ ۱۳۹۴: ۱۹۰ / کلارکسون؛ ۱۳۹۵: ۱۴۴)، نمی‌توان ادعا کرد که اثبات «قصد دفاع»، نیازمند گذراندن معیار نوعی - عینی نیز هست؛ چرا که اشتباه و قصد، اموری شخصی - ذهنی هستند و رفع عدوان از قتل عمد نیز به تبع آن امری شخصی - ذهنی است و اگر مدعی بتواند این امر شخصی - ذهنی را به اثبات برساند (هرچند هیچ انسان معقول و متعارفی نیز چنین قصدی را در چنین موقعیتی نداشته باشد) باز هم مرتکب می‌تواند از معافیت مندرج در تبصره دو ماده ۳۰۲ استفاده نماید. دلیل این امر آن است چنین موقعیتی، مصداقی از اشتباه (جهل به موضوع) نیز هست و همان‌گونه که در حقوق به اثبات می‌رسد، جهل و اشتباه از علل رافعه مسئولیت کیفری هستند و این علل، برخلاف علل موجهه جرم، «عوامل شخصی» رافع مسئولیت

در نظر گرفته می‌شوند. نتیجه آن که اگرچه دفاع مشروع از علل موجهه است، اما اشتباه در دفاع مشروع بایستی از علل رافعۀ مسؤولیت کیفری در نظر گرفته شود و معیار بررسی آن نیز شخصی - ذهنی است.^۱

از مطالب پیشین هم‌چنین روشن می‌گردد که نمی‌توان و نباید میان «اصل دفاع» و «نفس دفاع» ترادف و این‌همانی قائل شد؛ قانونگذار با عنایت و دقت در تبصره دو ماده ۳۰۲ از عبارت «نفس دفاع» استفاده کرده‌است و از عبارت «اصل دفاع» که پیش از این در تبصره دو ماده ۱۵۶ استفاده نموده بود، عدول کرده‌است. به بیان دیگر، قانونگذار در تبصره دو ماده ۱۵۶ که بار اثبات را تغییر داده‌است، تحقق خارجی و واقعی حمله را مفروض دانسته و آن‌گاه بار اثبات تخطی از شرایط دفاع را به نفع مدافع تغییر داده‌است؛ بنابراین، این تبصره شامل دفاع مشروع ظاهری نخواهد شد. اما در تبصره دو ماده ۳۰۲ دیگر سخنی از اصل دفاع نیست و قانونگذار با به کار بردن تعبیر متمایز «نفس دفاع»، دفاع مشروع ظاهری را نیز مشمول حکم مندرج در این تبصره (یعنی نفی قصاص) دانسته‌است.

بنابر مطالب فوق، همه چیز در صدق «نفس دفاع»، دائرمدار وضعیت روانی و قصد مدافع است. تفاوت میان «موقعیت واقعی حمله» و «قصد دفاع» را می‌توان در تحلیل مثال زیر مورد بررسی قرار داد: فرض کنید الف و ب از رقبای سرسخت و دیرینه یکدیگر، بر سر یک میز شام نشسته‌اند. الف، سلاحی را در دست خویش پنهان کرده و تا ثانیه‌هایی دیگر قصد کشتن ب را دارد. شخص ب که از وجود سلاح در دست الف بی‌خبر است، زودتر وی را به قتل می‌رساند و بعداً موضوع فوق به اثبات می‌رسد که الف نیز قصد کشتن وی را داشته و در واقع، حمله و تهاجم قریب‌الوقوع بوده‌است و اگر ب از این موضوع اطلاع می‌داشت، قطعاً اقدام وی در قتل الف، دفاع مشروع محسوب می‌شد اما ب بدون اطلاع از این موقعیت و بدون «قصد دفاع» اقدام به قتل الف کرده‌است. در این مثال تمامی شرایط دفاع مشروع محرز است، اما قاتل به علت جهل از وضعیت تهاجم، تبعاً «قصد دفاع» نیز نداشته‌است و بنابراین به‌هیچ‌عنوان نمی‌توان گفت که در این وضعیت «نفس دفاع صدق می‌کند»؛ دلیل این امر به باور برخی از نویسندگان، نفی امکان توجیه عینی دفاع مشروع است. (Kaufman: 2009: 148.)

نکته پایانی در خصوص تبصره دو ماده ۳۰۲ موضوع «مراتب دفاع» است. قانونگذار در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی از دو تعبیر «مراحل دفاع» و «شرایط دفاع» استفاده کرده‌است، اما در تبصره دو ماده ۳۰۲ آگاهانه و با تعمد از این دو تعبیر استفاده نکرده، بلکه از عبارت «مراتب دفاع» استفاده کرده‌است. در مباحث اولیه روشن شد که بحث در خصوص دفاع مشروع ناقص بیشتر ناظر به شرط ضرورت و شرط تناسب مطرح شده‌است اما با حذف شرط تناسب، هیچ دلیلی وجود ندارد که ادعا شود تبصره دو ماده ۳۰۲ تنها ناظر به یک شرط از شرایط چهارگانه مندرج در ماده ۱۵۶ است، کما این‌که میان شرایط چهارگانه دفاع مشروع نیز «شرط ضرورت»، هیچ ترجیحی نسبت به سایر شرایط ندارد. از سوی دیگر، همان‌گونه که گفته شد، مراحل دفاع عملاً بسیاری از مصادیق شرط تناسب را در برمی‌گیرد. نتیجه آن‌که انحصار مراتب دفاع به مراحل دفاع، شرایط دفاع و یا یکی

^۱ - برخی از مراجع تقلید معتقدند که اگر مدافع در تشخیص میزان ضروری کاربست زور دفاعی مرتکب اشتباه شد (مثلاً اشتبهاً گمان می‌کرد تنها راه خلاص شدن از مهاجم، به قتل رساندن اوست)، این قضاوت شخصی وی، دست‌کم برای سقوط قصاص از او کافی است. (به نقل از میرمحمدصادقی؛ ۱۳۹۶: ۳۵۸ و ۳۵۹)

از شرایط دفاع هیچ‌گونه دلیلی ندارد (برهانی، لطفعلی‌زاده؛ ۱۴۰۱: ۳۸۰) و بنابراین باید گفت که «مراتب دفاع» عبارت عامی است که هم «شرایط دفاع» را در برمی‌گیرد و هم «مراحل دفاع» را. بر این اساس، ادعای انحصار «مراتب دفاع» (که تجاوز از آن، خدشه‌ای به نفس دفاع وارد نمی‌کند) به «تناسب دفاع با حمله» (فاندی؛ پیشین: ۵۸۳) و یا انحصار «مراتب دفاع» به «تناسب و ضرورت دفاع» (پوربافرانی: ۱۳۹۲: ۴۲ و ۴۳) و یا نهایتاً به «تمامی شرایط دفاع» مقرر در بندهای ماده ۱۵۶ (شمس ناتری، زارع؛ ۱۳۹۶: ۱۴۲) هم با ظاهر قانون سازگاری ندارد و هم با تفسیر منطقی مبتنی بر مبانی پذیرش چنین تبصره‌ای از نظر فقهی و حقوقی.

نهایت آن که مدافعی که به قصد دفاع اقدامی را انجام دهد، اما شرطی از شرایط دفاع را رعایت نکند و یا به صورت پلکانی و با رعایت «الأسهل فالأسهل» اقدام به دفاع نکند و مرتکب قتل دیگری شود، قصاص نخواهد شد؛ چرا که قانونگذار به‌درستی از مدافعی که واقعاً در موقعیت دفاع قرار گرفته‌است و یا مدافعی که در ذهنیت خویش در موقعیت دفاع قرار گرفته‌است، انتظار ندارد که تصمیمی عاقلانه، قانونی، دقیق و منطبق بر تمامی ضوابط داشته باشد که اگر چنین انتظاری داشت، انتظاری بی‌جا و تکلیف‌بما لا یطاق می‌بود. گویی قانونگذار، به تبع برخی فقها، قتل در چنین موقعیتی را فاقد عنصر «عدوان» دانسته و عنوان «قتل عمل مستوجب قصاص» را از این قتل سلب نموده‌است. متها تعزیر چنین مرتکبی ممکن خواهد بود؛ مبنای تعزیر و بدون کیفر باقی نگذاشتن وی نیز می‌تواند نیاز به احساس امنیت و عدالت اجتماعی باشد که با مجازات نمودن شخص سهل‌انگار و غیرمحتاط تا حدودی برآورده خواهد شد. (خرم، توجهی؛ ۱۴۰۴: ۲۳۸ و ۲۴۳)

در خصوص دفاع شخص ثالث از کسی که مورد حمله قرار گرفته نیز تمامی مطالب اخیر صادق خواهد بود؛ در واقع اگر از خود پرسیم: «اگر شخصی نه به قصد کمک به مدافع ناتوان از دفاع خویش، بلکه به دلیل این که از متجاوز بدش می‌آید، وی را بکشد، آیا «دفاع مشروع» صدق می‌کند؟ [...]» به عبارت دیگر، آیا در دفاع مشروع همین اندازه که شرایط دفاع وجود داشته باشد، کفایت می‌کند یا باید قصد دفاع نیز وجود داشته باشد؟» (حاجی‌ده‌آبادی؛ ۱۴۰۳: ۱۸۷) آن‌گاه بایستی به این پرسش، پاسخ مثبت داده و اساساً هیچ دفاعی (حتی «دفاع مشروع ناقص») را بدون «قصد دفاع» محرز ندانیم؛ چه از ناحیه مدافعی که خودش مورد حمله قرار گرفته و چه از ناحیه مدافعی که از دیگری دفاع می‌کند.^۱ با این اوصاف، حتی شرکت عمدی و شبه‌عمدی دو مدافع ادعایی مرتکب قتل، در جنایتی که به مهاجم وارد می‌شود نیز ممکن خواهد بود؛ زیرا به تعبیر برخی نویسندگان، در احراز رابطه سببیت در یک جنایت، رکن روانی مدخلیتی ندارد. (شیخ‌الاسلامی، حاتمی‌نیا؛ ۱۴۰۴: ۲۲۳ و ۲۴۸) اما در هر حال بایستی توجه نمود که رفتار فردی را می‌توان «دفاع مشروع» - و لو ناقص - تلقی نمود که «به قصد دفاع» از خود یا دیگری انجام گرفته باشد و إلا قصاص مرتکب قتل عمد در صورت تحقق سایر شرایط، ممکن خواهد بود.

^۱ - در کتب فارسی‌زبان، در زمان بررسی آموزه دفاع مشروع، غالباً به نحو صریحی سخن از شرطیت «قصد دفاع داشتن مدافع» نمی‌شود و به ذکر لزوم وجود یک تهاجم غیرمنصفانه بسنده می‌شود. با این حال، برای دیدن یک استثناء، بنگرید به: رحیمی مقدم؛ ۱۳۹۲: ۱۷۳. اگر عدم ذکر شرطیت این امر، ناشی از مفروض و مسلم گرفتن آن باشد که هیچ، و إلا اگر ناشی از این باور باشد که در دفاع مشروع، رعایت مراحل و شرایط دفاع در عالم خارج و به صورت عینی کفایت می‌کند، چنین ادعایی به شدت قابل مناقشه خواهد بود.

نتیجه‌گیری

با پیشگامی دیوان عالی کشور، قانونگذار در سال ۱۳۹۲ با وضع تبصره دو ماده ۳۰۲ ق.م.ا اقدام به شناسایی نهاد «دفاع مشروع ناقص» نمود. اگر چه نفس این اقدام، اقدامی پسندیده و قابل دفاع تلقی می‌شد، اما هیچ‌گاه مشخص نگردید که مقصود از «نفس دفاع» چیست و مراد از «مراتب دفاع» کدام است. در این پژوهش به بررسی این موضوع پرداخته شد و در این مسیر روشن شد که:

۱. بایستی میان مفاهیم «دفاع مشروع ناقص» با «دفاع مشروع ظاهری» و «دفاع مشروع افراطی» تمایز قائل شد؛ به این صورت که دفاع مشروع ظاهری و دفاع مشروع افراطی، دو مصداق از مفهوم کلی‌تر دفاع مشروع ناقص هستند و مصداقی دیگری نیز به جز این دو برای دفاع مشروع ناقص قابل تصور است؛ چرا که دفاع مشروع ظاهری، رفتار مدافعی است که با قصد دفاع، اقدام به دفع حمله‌ای می‌کند که در عالم خارج رخ نداده است. دفاع مشروع افراطی، رفتار مدافعی است که با قصد دفاع، اقدام به دفع حمله‌ای واقعی می‌کند، اما در این مسیر، شرط تناسب دفاع با حمله را رعایت نمی‌کند. اما دفاع مشروع ناقص رفتار مدافعی است که با «قصد دفاع»، اقدام به دفع حمله‌ای ظاهری یا واقعی می‌کند ولی در این مسیر، مراحل یا شرایط دفاع را رعایت نمی‌کند.

۲. بهترین تبیین در باب چرایی نفی مسئولیت کیفری از مدافع مشروع ناقص، آموزه‌ای قصدمحور است که دلیل اصلی موجه بودن کاربست زور دفاعی را «قصد دفاع» در نزد مدافع می‌داند. این آموزه، مستند به برخی فتاوی‌های فقهی است که در آنها منتفی شدن قصاص، به طور ضمنی ریشه در فقدان عدوان در رفتار شخصی دارد که به «قصد دفاع» اقدام به قتل دیگری کرده است، هرچند که این اقدام را توهم مدافع برانگیخته باشد. با این تفسیر، «نفس دفاع» زمانی صدق خواهد کرد که مدافع، با «قصد دفاع» اقدام به قتل دیگری دیگری کرده باشد. بنابراین، مقامات قضایی بایستی در نظر داشته باشند که چنانچه «قصد دفاع» در طرف مدافع ادعایی احراز نشد، دیگر تمسک به نهاد دفاع مشروع ناقص نیز منتفی خواهد گردید و حکم به قصاص مرتکب قتل، با حصول سایر شرایط قصاص، اجتناب‌ناپذیر است.

۳. «مراتب دفاع» مذکور در تبصره دو ماده ۳۰۲ که تخطی از آن خدشه‌ای به صدق «نفس دفاع» وارد نمی‌کند، رابطه‌ی ترادف با هر یک از «مراحل دفاع» یا «شرایط دفاع» نداشته و در واقع، هم شامل «مراحل دفاع» و هم شامل «شرایط دفاع» می‌گردد. این تفسیر، هم سازگاری بیشتری با مبانی فقهی و نیز سایر مواد قانونی دارد و هم عملاً امکان سقوط قصاص از دوش مدافعی که در مقام دفاع و به قصد دفاع اقدام به قتل دیگری می‌کنند را نیز افزایش می‌دهد.

۴. هرچند قانونگذار با حذف «شرط تناسب» در دفاع مشروع، امکان معافیت مدافع مرتکب قتل از هر گونه مجازاتی را توسعه داده است؛ اما در عین حال، با مقرر نمودن ضرورت «رعایت مراحل دفاع» در ماده ۱۵۷ تلاش کرده تا خطر تبدیل شدن مدافع به مهاجم را نیز گوشزد کند. در نهایت، قانونگذار با اندراج عبارت عام «مراتب دفاع» در تبصره دو ماده ۳۰۲، امکان رفع قصاص از افراد واجد قصد دفاع را بیشتر کرده است؛ بخصوص که مراتب دفاع، عنوان عامی است که هم شرایط دفاع و هم مراحل آن را در بر می‌گیرد.

۵. دو اصطلاح «اصل دفاع» (مذکور در تبصره دو ماده ۱۵۶) و «نفس دفاع» مترادف نیستند؛ اصل دفاع در جایی صدق می‌کند که حمله‌ای واقعاً در عالم خارج رخ داده باشد و در چنین فرضی، قصد دفاع در مدافع، مفروض گرفته شده و بار اثبات عدم وجود قصد دفاع و یا عدم رعایت شرایط دفاع بر عهده مهاجم گذاشته شده است. بنابراین حکم مذکور در تبصره دو ماده ۱۵۶ شامل دفاع مشروع ظاهری نخواهد شد.

پذیرفته شده | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

کتاب فارسی

۱. الهام، غلام‌حسین؛ برهانی، محسن (۱۴۰۲)؛ "درآمدی بر حقوق جزای عمومی" (جلد اول: جرم و مجرم)، تهران: میزان، چاپ هشتم.
۲. برهانی، محسن؛ لطفعلی‌زاده، الهه (۱۴۰۱)؛ "تأملات: شرحی بر قانون مجازات اسلامی" (مشمول بر کتاب اول تا چهارم)، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، چاپ اول.
۳. حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۴۰۳)؛ "جرایم علیه اشخاص" (قتل)، تهران: میزان، چاپ پنجم.
۴. رحیمی مقدم، احمد (۱۳۹۲)؛ "دفاع مشروع در حقوق کیفری ایران و انگلستان"، تهران: مجد، چاپ اول.
۵. صانعی، یوسف (۱۳۸۴)؛ "استفتائات قضایی"، تهران: میزان، چاپ اول.
۶. کلارکسون، کریستوفر (۱۳۹۵)؛ "تحلیل مبنای حقوق جزای عمومی"، ترجمه و توضیح: حسین میرمحمدصادقی، تهران: جنگل جاودانه، چاپ دوم.
۷. "مذاکرات و آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور" (سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۸۴، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹)، تهران: اداره وحدت رویه و نشر مذاکرات هیأت عمومی دیوان عالی کشور، جلد‌های به ترتیب: دوم، سوم، یازدهم، بیست‌وپنجم (بخش اول) و بیست‌وششم (بخش دوم)، چاپ‌های به ترتیب: پنجم، پنجم، دوم، اول و اول؛ سال‌های انتشار به ترتیب: ۱۳۹۲، ۱۳۸۹، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۰.
۸. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۶)؛ "جرایم علیه اشخاص" تهران: میزان، چاپ بیست‌وسوم.

مقالات فارسی

۹. آقایی‌نیا، حسین؛ دبستانی کرمانی، پویک (۱۳۹۴)؛ "عدم انطباق واقعیت با اندیشه‌ی بزهکار در دفاع مشروع"، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، ۲ (۴ و ۵): ۱۷۱ - ۱۹۱.
۱۰. پوربافرانی، حسن (۱۳۹۳)؛ "مطالعه تطبیقی تجاوز از حدود دفاع مشروع (دفاع مشروع افراطی)"، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۵ (۲): ۳۵ - ۵۹.
۱۱. خدابخش، عبدالله (۱۳۸۶)؛ "جنبه‌های مدنی و کیفری دفاع مشروع"، مجله تخصصی هیات و حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۴ (۲۳): ۹۱ - ۱۱۶.
۱۲. خرم، سینا؛ توجهی، عبدالعلی (۱۴۰۴)؛ "معیار و مصادیق تقصیر جزایی و مبانی آن در حقوق کیفری ایران"، دو فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی (پژوهشکده حقوق و قانون ایران)، ۲ (۴): ۲۱۶ - ۲۵۳. Doi: [10.22034/jclc.2025.2063213.1204](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2063213.1204)
۱۳. شمس‌ناتری، محمد ابراهیم؛ زارع، محمد کاظم (۱۳۹۶)؛ "بازشناسی مفهوم دفاع مشروع در قانون جدید مجازات اسلامی"، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۰ (۱): ۱۲۵ - ۱۴۵.
۱۴. شیخ‌الاسلامی، عباس؛ حاتمی‌نیا، حامد (۱۴۰۴)؛ "امکان‌سنجی شراکت عمدی و غیرعمدی مرتکبین در یک جنایت؛ نقد آراء دادگاه کیفری یک استان خراسان رضوی و رأی شعبه دیوان عالی کشور"، دو فصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی (پژوهشکده حقوق و قانون ایران)، ۴ (۷): ۲۰۸ - ۲۵۲. Doi: [10.22034/analysis.2025.2052916.1103](https://doi.org/10.22034/analysis.2025.2052916.1103)
۱۵. قائدی، سعید (۱۴۰۳)؛ "دفاع مشروع افراطی در فرایند رسیدگی کیفری ایران (با تأکید بر قتل عمد)"، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۲۳ (۵۹): ۵۶۷ - ۵۹۸.

۱۶. محمودی جانکی، فیروز؛ صادقی، آزاده (۱۳۹۴)؛ "دفاع مشروع ظاهری"، مجله آموزه‌های حقوق کیفری دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۲ (۱۰): ۱۵۵ - ۱۹۴.

ب. منابع عربی

۱۷. خمینی، سید روح‌الله الموسوی (۱۳۹۰ ه. ق)؛ "تحریر الوسیله"، قم: مؤسسه مطبوعات اسماعیلیان، در دو جلد، جلد اول، چاپ اول.
۱۸. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۸ ه. ق)؛ "مبانی تکملة المنهاج"، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، جلد چهل و یکم (کتاب القضاء و الحدود)، چاپ سوم.
۱۹. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ه. ق)؛ "المبسوط فی فقه الإمامیه"، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، در ۸ جلد، جلد هشتم، چاپ سوم.
۲۰. فاضل لنکرانی، شیخ محمد (۱۴۳۰ ه. ق)؛ "تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیله"، قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار (ع)، کتاب الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر، چاپ اول.
۲۱. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ه. ق)؛ "كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام"، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، در ۱۱ جلد، جلد دهم، چاپ اول.
۲۲. نجفی، شیخ محمد حسن (۱۴۳۴ ه. ق)؛ "جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام" (جلد ۴۲)، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ اول.

پ. منابع انگلیسی

Books:

23. Fletcher, G. and Jens Ohlin, (2008). "Defending Humanity: When Force is Justified and Why." New York: Oxford University Press.
24. Kaufman, W. (2009). "Justified killing: the paradox of self-defense." Maryland: Lexington Books.

References:

1. Aghaienia, H & Dabestani Kermani, P. (2016). “**Non-Conformity of Truth to Offender's Belief as to Self- Defence.**” *Journal of Criminal Law and Criminology Studies* (University of Tehran), Vol. 2, No. 4,5, pp. 171 - 191. (In Persian)
2. Borhani, M & Lotfali-Zadeh, E. (2023). “**Reflections: An Explanation of the Islamic Penal Code.**” (including Books One to Four), Tehran: Judiciary Press and Publications Center, 1st ed. (In Persian)
3. Clarkson, Ch. (2016). “**Analysis of the Foundations of General Criminal Law.**” Trans.: Hossein Mir Mohammad Sadeghi, 2nd ed., Tehran: Jangal Publications (Javedaneh). (In Persian)
4. “**Deliberations and Decisions of the General Board of the Supreme Court of Iran.**” (for the years 1996, 1997, 2005, 2019, and 2020), Tehran: Office of Uniformity of Procedure and Publication of the Deliberations of the General Board of the Supreme Court; volumes, respectively: 2nd, 3rd, 11th, 25th (Part One), and 26th (Part Two); editions, respectively: 5th, 5th, 2nd, 1st, and 1st; years of publication, respectively: 2013, 2013, 2010, 2021, and 2021. (In Persian)
5. Elham, Gh & Borhani, M (2023). “**An Introduction to General Criminal Law.**” (Crime and Criminal), Vol. 1, Tehran: Mizan Publications, 8th ed. (In Persian)
6. Fazil Hindī, Muḥammad ibn Ḥasan (1995). “**Kashf al-Lithām wa al-Ibhām ‘an Qawā'id al-Aḥkām.**” Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī, affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom, in 11 volumes, Volume Ten, 1st ed. (In Arabic)
7. Fazil Lankarani, M. (2009). “**Tafṣīl al-Sharī'ah fī Sharḥ Taḥrīr al-Wasīlah.**” Qom: Center for Fiqh of the Imams al-Aṭhār, Book of Commanding the Good and Forbidding the Wrong, 1st ed. (In Arabic)
8. Fletcher, G. and Jens Ohlin, (2008). “**Defending Humanity: When Force is Justified and Why.**” New York: Oxford University Press.
9. Ghaedi S. (2024). “**Extremist Legitimate Defense in Iran's Criminal Proceedings (with an Emphasis on Intentional Homicide).**” *Journal of Legal Research*, V. 23, No. 59, pp. 567 - 598. (In Persian)
10. Hajidehabadi, A. (2024). “**Offences Against The Person.**” (Homicide), Tehran: Mizan Publications, 5th ed. (In Persian)
11. Kaufman, W. (2009). “**Justified killing: the paradox of self-defense.**” Maryland: Lexington Books.
12. Khodabakhshi, A. (2007). “**Civil and Criminal Aspects of Self-Defense.**” *Journal of Theology and Law, Razavi University of Islamic Sciences*, Vol. 4, No. 23, pp. 91 - 116. (In Persian)
13. Khoei, A. (2007); “**Foundations of Takmelat al-Minhaj.**” Qom: Institute for the Revival of Imam Khoei's Works, Volume Forty-One (Book of Adjudication and Penal Laws –al Hodoud -), 3rd ed. (In Arabic)
14. Khomeini, R. (1970). “**Tahrir al-Wasilah.**” Qom: Islamic Publications Institute, in two volumes, Volume I, 1st ed. (In Arabic)

15. Khorram, S & Tavajohi, A. (2025 - 26). “**Criterion and Instances of Criminal Negligence and its Foundations in Iranian Criminal Law.**” *Journal of Research and Development in Criminal Law and Criminology* (Iranian Law and Legal Research Institute), Vol. 2, No. 4, pp. 216 - 253. Doi: [10.22034/jclc.2025.2063213.1204](https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2063213.1204) (In Persian)
16. Mahmoudi Janaki, F & Sadeghi, A. (2015). “**Putative Self-Defense.**” *Journal of Criminal Law Teachings of Razavi University of Islamic Sciences*. V. 12, No. 10, pp. 155 - 194. (In Persian)
17. Mir Mohammad Sadeghi, H (2017). “**Offences Against The Person.**” Tehran: Mizan Publications, 23th ed. (In Persian)
18. Najafi, M. (2013). “**Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā’i‘ al-Islām.**” (Vol. 42), Qom: Islamic Publishing Institute, 1st ed. (In Arabic)
19. Poorbafrani, H. (2015). “**Comparative Study on Exceeding the Limits of Self-Defense (Excessive Self-Defense)**” *Bi-annual Journal of Criminal Law Research*, Vol. 5, No. 2, pp. 35 - 59. (In Persian)
20. Rahimimoghadam, A. (2013). “**Self – Defence In Criminal Law of Iran and England.**” Tehran: Majd Publications, 1st ed. (In Persian)
21. Sanei, Y. (2005). “**Judicial Inquiries.**” Tehran: Mizan Publications, 1st ed. (In Persian)
22. Shams Nateri, M & Zare, M. (2017). “**Re-examination of the Concept of Self-Defense in the New Islamic Penal Code.**” *Journal of Jurisprudence and the Essentials of Islamic Law*, Vol. 50, No. 1, pp. 125 - 145. (In Persian)
23. Sheikholeslami A & Hatamina, H . (2025). “**Feasibility Study of Intentional and Unintentional Partnership of Perpetrators in a Crime with a Critique of the Judgment Issued by the Criminal Court of Khorasan Razavi Province and A Judgment Issued by Supreme Court.**” *Journal of Critical Analysis of Judicial Decisions* (Iranian Law and Legal Research Institute) Vol. 4, No. 7, pp. 208 - 252. Doi: [10.22034/analysis.2025.2052916.1103](https://doi.org/10.22034/analysis.2025.2052916.1103) (In Persian)
24. Tusi, Abu Ja‘far, Muhammad ibn Hasan (1967). “**al-Mabsut fī Fiqh al-Imāmiyyah.**” Tehran: al-Maktabah al-Murtadawiyyah li-Ihyā’ al-Āthār al-Ja‘fariyyah, in 8 volumes, Volume Eight, 3rd ed. (In Arabic)